

اشاره

از آنجایی که یکی از اهداف میثاق امین پرداختن به اقوام ایرانی و در حد امکان اقوام مسلمان غیر ایرانی است، از این رو، در مقاله پیش رو تبارشناسی قوم بلوچ نگاهی گذرا به آداب و رسوم قوم شریف و ساده بلوچ دارد که در بخشی از ایران اسلامی زندگی می‌کنند. نویسنده محترم که خود از فرزندان این قوم است و در میان این قوم عمری را سپری کرده به بررسی مسائل یاد شده پرداخته است. در شماره‌های بعدی قوم بلوچ و سیستانی چه در ایران و چه در پاکستان و افغانستان به تفصیل معرفی خواهند شد.

درآمدی بر تبارشناسی قوم بلوچ

دکتر محمدرضا طاهری*

بر پهنه گسترده گیتی در محل تلاقی خاورمیانه با سرزمین عجایب (هند) قومی به سر می‌برد که کمتر کسی در دنیا وجود دارد که آنها را نشناسد. قدمت تاریخی این قوم و زمان استقرار آنها در این منطقه محروم طبیعی، و اینکه چه چیزی او را وادار به سکونت در این مثلث خشک و خشن نموده برای کسی کاملاً روشن نیست. بلوچ قومی از اقوام مختلف دنیا مانند عرب، افغان، ترک و... است. وطن اصلی بلوچها، بلوچستان است که در کتابهای تاریخی قدیم به نام «مکران» یاد شده است. این نام در زمان سلطنت نادرشاه افشار به بلوچستان تغییر یافت.

ریشه بلوچ

در باره ریشه بلوچها اجماع نظر وجود ندارد. عمده بحث در این زمینه بر محور دو نظریه است: یکی ریشه ایرانی (آریایی) و دیگری ریشه عربی. براساس نظریه دوم، بلوچها عرب و از

* عضو هیأت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان و دانشگاه آزاد اسلامی زاهدان و رئیس دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی سراوان و مرکز کارآفرینی دانشگاه سیستان و بلوچستان.

اعقاب حمزه، عموی پیامبر اسلام(ص)، هستند. ولی نظریه اول برای قوم بلوچ ریشه ایرانی قائل است و نظریه دوم را فاقد مستندات تاریخی می‌داند.

در مورد نژاد بلوچ آنچه مورد توافق بیشتر نویسندگان و جامعه‌شناسان است، نژاد آریایی مردم بلوچ است. به سبب موقعیت جغرافیایی منطقه، قوم بلوچ نژاد خود را به خوبی حفظ کرده است. کمسیون ملی یونسکو درباره نژاد بلوچ می‌گوید:

بدون شک قوم بلوچ از همین اقوام آریایی جدا شده و پس از گذشتن از مناطق شمالی به جنوب آمده‌اند و قرابت زبان بلوچی با زبان باستانی مؤید این تصور است. عطاءالله آمینگل از رهبران سیاسی پاکستان می‌گوید: ما همانند کردها آریایی هستیم، ما سامی نیستیم، اگر چنان که آنها (اعراب) می‌خواهند، از زبان بلوچی دست بکشیم، چگونه می‌توانیم خود را بلوچ بنامیم؟ ما نمی‌توانیم زبان و هویت خود را رها کنیم.

تاریخ و جغرافیای بلوچستان

سرزمین بلوچستان با مساحتی در حدود ۱۷۵۰۰۰ کیلومتر مربع، در جنوب شرقی ایران واقع و بین دو عرض جغرافیایی ۲۵ الی ۳۲ درجه عرض شمالی و ۵۸ الی ۷۰ درجه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ گسترده شده است. این سرزمین از شمال به سیستان و افغانستان، از شرق به پاکستان، از جنوب به دریای عمان و از غرب به کرمان محدود است. برای بیان ملموس‌تر وسعت بلوچستان، قابل ذکر است که فاصله شهر زاهدان در شمال آن تا چاه‌بهار در جنوب ۷۰۵ کیلومتر و عرض آن از کوهک تا افق‌های شرقی جازموریان ۵۹۰ کیلومتر است. این سرزمین شامل شهرستانهای زاهدان، خاش، سراوان، ایرانشهر، سرباز، نیک شهر و چابهار است.

علی‌رغم وجود تفاوت‌هایی در جغرافیای طبیعی، بلوچستان به طور کلی سرزمینی خشک و لم‌یزرع و گرم است که درجه حرارت متوسط آن به چهل درجه سانتیگراد می‌رسد. میزان بارش در آن کم است و تنها منابع آن قنات‌ها و کاریزهایی هستند که از آب زیرزمینی تغذیه می‌شوند. در نتیجه این شرایط طبیعی، میزان پراکندگی جمعیت در آن بالاست و مناطق مسکونی در فاصله‌های طولانی از یکدیگر قرار دارند. به لحاظ هوای گرمسیری بیشتر

درختان این پهنه خرما و مرکبات‌اند. چون آب و هوای این منطقه شباهتی بسیار نزدیک به آب و هوای هندوستان دارد، درختانی چون انبه، نارگیل، موز، انجیر، تمبر هندی و خربزه درختی و... در بلوچستان پرورش می‌یابند و نیز به سبب استعداد طبیعی خاص این منطقه، به آن هندوستان کوچک می‌گویند.

سابقه تاریخی این سرزمین بسیار زیاد است و قدمت آن را بین هشت تا ده هزار سال می‌دانند. بر پایه کتیبه‌ها و کتابهای قدیمی، بلوچ و بلوچستان پیش از اسلام وجود داشته است، به گونه‌ای که در کتاب دینی یهودیان - تورات - از بلوس پسر گوس نام برده شده است. محققان نیز بلوچ را فارسی شده کلمه بلوس می‌دانند. در کتیبه‌های میخی داریوش بزرگ در بیستون و تخت جمشید، سرزمینی که امروزه بلوچستان نام دارد به اسم «ماکا» یا «مکه» یاد شده است. به این سرزمین در زمان سامانیان «کومون» می‌گفتند. هرودت نیز آن را «مکیا» یا «میکیان» خوانده است. مورخ اسکندر مقدونی بلوچستان را «رُدرزیا» ثبت کرده است. اما قرن‌ها سرزمین کنونی بلوچستان «مکران» نامیده می‌شده و جهانگردان عرب نیز از آن به نام مکران یاد کرده‌اند.

عده‌ای سرزمین بلوچستان را از نقاطی می‌دانند که بر سر راه مهاجرت آفریقاییان به آسیای جنوب شرقی بوده است. شاید به همین دلیل است که آثاری از نژاد سیاه پوست در منطقه دیده می‌شود. البته گروهی معتقدند وجود مردم سیاه در منطقه جنوبی بلوچستان به این دلیل است که زمانی در آنجا جمعیتی بومی زندگی می‌کردند که با سیاهان آفریقا و هند شرقی پیوند داشتند. اما اغلب مورخان متفق القول‌اند که اقوام دراویدی قبل از آمدن آریاییها در بلوچستان ساکن بودند. در «ریگ ودا»، کتاب مقدس هندوها، از هجوم طوایف آریایی به دراویدیها روایت شده است.

پیشینیان قوم بلوچ، چنان که موقعیت ژئوپولیتیک مکران مشخص می‌سازد، بیانگر شناخت و بینش سیاسی بلوچهاست که منطقه‌ای را انتخاب کرده‌اند که از شرق به هند و از جنوب به دریای عمان و اقیانوس هند و از شمال به خراسان متصل است. این منطقه در مسیر تردد تجار و پیشه‌وران و بازرگانان بین‌المللی قرار گرفته که بازرگانان هندی جهت امرار معاش و تجارت از این مسیر به سوی سرزمین ایران، عراق، شام، حجاز و اروپا می‌گذشتند.

ویژگیهای قومی مردم بلوچ در بلوچستان

ایران کشوری است بزرگ، با تمدن و فرهنگ غنی و دیرینه‌ای که، که اقوام مختلف با فرهنگها و باورهای مخصوص به خود در آن زندگی می‌کنند. بلوچها یکی از اقوام اصیل و شناخته شده ایرانی هستند که به زبان بلوچی تکلم می‌کنند و بیشترین جمعیت آنان در سه کشور ایران، پاکستان و افغانستان به سر می‌برند. بنابراین بلوچها نیز از اقوام اصیل، باسابقه و شاخص ایرانی و دارای نوعی فرهنگ و باورهای خاص و متفاوت‌اند. لازم است ابتدا کلیاتی از ویژگیهای خاص قوم بلوچ برشمرده شود و سپس چند ویژگی شاخص که این قوم را از دیگر اقوام متمایز می‌سازد بیان گردد.

بلوچها انسانهایی آزاده، مهمان‌نواز، راستگو، ناموس‌پرست، دلیر و شجاع، سختکوش و جنگجو هستند. مردم بلوچ به تأثیر از شرایط خاص محیط خویش، استوار، بردبار و با حداقل امکانات زندگی می‌کنند و شاید تحمل آنها در برابر مشکلات و سختیها، در هیچ یک از طوایف ایران وجود نداشته باشد. آنان در دوستی ثابت‌قدم و وفادارند و در دشمنی سرسخت و انتقام‌جو.

مردم بلوچستان سخت پایبند به اعتقادات مذهبی و دینی خویش‌اند. نماز را به موقع و با جماعت به جا می‌آورند و در سخت‌ترین شرایط روزه می‌گیرند و شکستن روزه را گناهی بزرگ می‌شمارند. حتی در مسافرت و نیز در طول سفر تا حد امکان نماز به صورت کامل (نمازهای فریضه شکسته و نمازهای مستحبی کامل) خوانده می‌شود. اعیاد آنان منحصر به اعیاد مذهبی است و در میان اعیاد مذهبی بیشتر از همه برای عید فطر و قربان اهمیت قائل هستند و با توجه به معتقدات مذهبی خود تشریفات ویژه‌ای برای این دو عید مقرر می‌دارند. اما چند ویژگی شاخص که قوم بلوچ را متمایز می‌سازد عبارت‌اند از:

۱. میارجللی (پناهنده‌پذیری) ۲. قول و قرار ۳. مهمان‌نوازی ۴. حشر و مدد ۵. بچار ۶. چنده
 ۷. بسیر و انتقام ۸. جن طلاق (زن طلاق) ۹. دیوان ۱۰. پتر ۱۱. پوشاک
۱. میارجللی (پناهنده‌پذیری): میار و باهوت به معنای پناهنده شدن به کسی و میارجللی به معنای پناهنده‌پذیری است. اگر شخصی گناهکار یا مظلومی به علت ترس از جان، محل سکونت خود را ترک گوید و به سردار یا طایفه قوی‌تر پناه برد و از او طلب پناهندگی و حمایت کند، او نیز با سنجیدن جوانب، پناهندگی او را قبول می‌نماید. ابتدا پناه‌دهنده سعی می‌کند با

وساطت، مشکل پناهنده خود را با طرف مقابلش حل و فصل نماید. چنانچه این روش مؤثر نیفتاد، پناه‌دهنده تا پای جان از پناهنده خود در مقابل دشمنانش دفاع خواهد کرد.

۲. قول؛ چنانچه بلوچ به کسی قول بدهد، نباید هیچ‌گاه به قول خود بی‌تعهد باشد. از این رو، او به قول خود وفادار است و این وفاداری و تعهد آن قدر زیاد است که به صورت ضرب‌المثل درآمده است: «سرون بروت بله قولن مروت»؛ یعنی حاضرم سرم از تن جدا شود، ولی بدقولی نکنم.

۳. مهمان‌دوستی؛ مهمان‌نوازی مردم بلوچستان ریشه در فرهنگ اسلامی آنها دارد و آنان از این نظر شهره خاص و عام هستند. مهمان‌دوستی مردم بلوچ خصلتی است پسندیده که در بین همه قشرهای غنی و فقیر بلوچ وجود دارد.

۴. حَسْر و مدد؛ حشر و مدد به معنای همکاری و تعاون گروهی افراد در کارهاست. تنها زیستن برای فرد بلوچ مفهوم ندارد و تنهایی به منزله نابودی است. از این رو در سیر زندگی و مقابله‌ای نابرابر با طبیعت خشن آموخته است که همواره در کنار قوم و هم‌کیشان خود زندگی کند تا از هر گونه گزند و آسیبی در امان باشد. این حشر و مدد بیشتر در اموری مانند ساختن مدرسه، خانه، نج‌کاری، دره‌حصول و ساخت لایروبی‌قنوات، سدآبی و دفاع‌دیلهی شود.

۵. بَجَّار (کمک در امر ازدواج)؛ یکی از پسندیده‌ترین و مفیدترین سنتهای قوم بلوچ که در میان شرقی‌ترین اقوام و ملل کمتر می‌توان نظیر آن را یافت، موضوع «بجَّار» است. بجَّار یعنی کمک و همراهی مادی با جوان و دامادی که می‌خواهد ازدواج کند و تشکیل خانواده دهد. هر چند بجَّار شامل حال جوان غنی و فقیر، هر دو، می‌شود، ولی مسلم است که عقلا و دانشمندان بلوچ برای همراهی با جوان کم‌بضاعت، رسم بجَّار را عمومیت داده‌اند تا موجب خجالت جوان محتاج نشود. مبلغ بجَّار بستگی به میزان توانایی و همت فرد دارد و بیشتر از جانب خویشاوندان داده می‌شود و می‌تواند نقدی و غیر نقدی (مثل فرش، قالی، بز و گوسفند و...) باشد.

۶. چَنَدِه (کمک به امور دینی)؛ مردم مسلمان بلوچ در کنار شرکت در مراسم بجَّار (کمک برای ازدواج) و حَسْر و مدد (تعاون در امور اجتماعی)، برای ساخت و بنای مساجد، حوزه‌های علمیه و مخارج طلاب، حقوق مدرّسین و دیگر امور دینی، با پرداخت وجوه نقدی و غیر نقدی مشارکت می‌کنند.

۷. بسیر (انتقام)؛ اگر به شخصی یا طایفه‌ای صدمه و خسارتی وارد گردد و یا کسی کشته شود و شخص خاطی از عمل خود اظهار ندامت نکند و عذرخواهی ننماید، باید منتظر انتقام طرف مقابل باشد و او هر زمان که شرایط و موقعیت برایش فراهم شد انتقام خود را می‌گیرد. در شعر یکی از شاعران بلوچ، کینه بلوچ چنین وصف شده است:

«سینگ آگان چاتانی بنء ریزانت کینگ چه مردانی دلء کنزننٹ»

یعنی هر گاه سنگهای بزرگ ته چاه فرسوده و تجزیه شود، آن گاه ممکن است کینه از دل مرد جابجا شود.

۸. قسم جن طلاق (زن طلاق)؛ بلوچها برای اعلام تعهد، وفای به عهد، پیمان، اعلام برائت از اتهامات وارده و همچنین برای عملی نمودن سخنان و حتمی ساختن انتقام خود از شخصی یا طایفه‌ای، قسم زن طلاق یاد می‌کنند. این شیوه سوگند خوردن بدان سبب است که آنان در ناموس پرستی تعصبی خاص دارند.

۹. دیوان؛ دیوان در جامعه بلوچی به معنای مجلس و همایش است. بزرگان و ریش سفیدان قوم یا اقوام در یک محل معین گرد هم می‌آیند و به رتق و فتق کارهای مهم مردمی می‌پردازند که به این تجمع، دیوان می‌گویند. دیوان برای حل اختلاف دو شخص یا دو طایفه، مشخص کردن میزان مال و مهریه عروس و... تشکیل می‌شود.

۱۰. پتر؛ پتر را می‌توان به معنای پذیرش قصور و اشتباه تلقی کرد؛ بدین صورت که اگر بین دو شخص با دو قوم اختلاف شخصی، خانوادگی و فامیلی به وجود آمده باشد، یا در اثر درگیری و برخورد کسی زخمی یا کشته شود، جهت جلوگیری از گسترش دامنه اختلاف و انتقام‌گیری، بزرگان طایفه به همراه شخص خطاکار برای اظهار ندامت و پشیمانی و پذیرفتن اشتباه خود و ارزش و احترام دادن به مظلوم زیان دیده به خانه او می‌روند و ضمن قبولی تقصیر از او معذرت‌خواهی می‌کنند و حاضر به جبران خسارت می‌شوند.

۱۱. پوشاک؛ از شاخصهای ظاهری مرد و زن بلوچ که وی را از اقوام دیگر متمایز می‌سازد پوشش اوست. پوشاک بلوچ به خاطر موقعیت جغرافیایی و گرمای زیاد منطقه و کار و تلاش مردم و دلایل دیگر شکل خاصی به خود گرفته است. سوزن دوزی زن بلوچ بر لباس خود در دهها طرح و نقشه، جزو صنایع دستی مهم کشور به شمار می‌رود و شهرت جهانی پیدا کرده است.



بلوچستان در دورانهای مختلف

بلوچستان در عصر باستان جزو سرزمین کیان بود. در زمان سلطنت کیخسرو، قسمتی از سپاهیان پادشاه را بلوچها تشکیل می‌دادند. این سربازان، سپاهیان دلیر و جنگاور بودند که در میدان نبرد هیچ‌گاه پشت به دشمن نکردند. اسکندر که با لشکر قدرتمند و شکست‌ناپذیرش به هر سرزمینی که قدم می‌گذاشت، هیچ قشونی در مقابل او یارای ستیز و مقاومت نداشت، پس از لشکرکشی به هندوستان آهنگ بلوچستان کرد و در بلوچستان به حدی درمانده شد که مورخ مخصوصش می‌نویسد «هرگز اسکندر را آن‌گونه غمگین و اندوهگین ندیده بودند». لشکر اسکندر در مقابل دلاوران بلوچ تن به شکست داد، اما خود او جان سالم به در برد و به شکرانه سلامت خویش هفت شبانه روز جشن گرفت.

در زمان سامانیان نیز بلوچها دارای سرزمین مستقل بودند. اردشیر در زمان سلطنت خویش بسیار کوشید تا بلوچها را به زنجیر غلامی خویش بکشد، اما این پروانگان شمع آزادی، مردانه در مقابل او برخاستند و نگذاشتند ذلت غلامی و فرمانبری بر دوششان گذاشته شود. سرانجام اردشیر نتوانست از پس این قوم سختکوش برآید و بالاجبار شیوه مدارا و نرمی را با بلوچها در پیش گرفت.

هنگامی که خورشید اسلام در مکه طلوع کرد و در مدینه پرتو افکند و سپس بر تمام شبه جزیره عربستان تابیدن گرفت، ایران به عنوان یک ابرقدرت زیر فرمان ساسانیان بود. ساسانیان دارای قدرتی بسیار و لشکری منظم بودند. دین و آیین ایرانیان زردشت و کتاب آنان اوستا بود. ایرانیان دارای افکار زردشتی بودند و قبول دین جدید برایشان دشوار بود. در زمان خلافت خلیفه دوم، قسمت اعظم ایران فتح شد. خلیفه سوم در ادامه فتوحات ایران، ایالت مکران را زیر نظر داشت و به همین دلیل به والی عراق دستور داد که فردی جامعه‌شناس و خبره را به مکران بفرستد تا در مورد موقعیت جغرافیایی مکران، مردم آن، وسعت آن، قدرت بلوچها و وضعیت استراتژیکی آن به طور کامل تحقیق کند، و آن شخص کسی جز حکیم بن جبلیعبدی نبود حکیم پس از مکران (بلوچستان) به خلیفه سوم چنین گزارش داد:

آبش اندک، میوه‌اش خرما، خرما خورده شده... دزدش قوی و بی‌باک.

اگر سپاه اندک بدانجا برود تباه گردد و اگر بسیار باشد گرسنه شود.

و این در حالی بود که مسلمانان در جبهه‌های مقتدری در حال نبرد بودند. لذا از لشکرکشی



به مکران در آن زمان خودداری کردند تا بعد از خلاصی از جبهه‌های دیگر، عازم مکران و سِند شوند و آنها را فتح کنند. بلوچ‌ها بی‌گانه‌ستیز شهروند و به راحتی تسلیم بیگانگان نمی‌شدند، ولی در نهایت در مقابل سپاه اسلام شکست را پذیرا شدند و به اسلام گرویدند.

بلوچستان در قرن اخیر

حاکمیت قاجارها در قرن سیزدهم هجری (نوزده میلادی) همزمان با تشدید رقابت‌های سیاسی و اقتصادی کشورهای اروپایی غربی در قلمروهای دوردست است. بلوچستان یکی از ایالت‌هایی بود که پس از سلطه انگلستان بر هند، به خصوص از نیمه دوم قرن سیزدهم هجری که کمپانی هند شرقی انگلیس منحل اعلام گردید و سرزمین هند به طور مستقیم تحت سلطه امپراتوری انگلستان درآمد، با این سرزمین همسایه شد. نتایج حاکمیت قاجارها در بلوچستان، هیچ‌گونه تحول و تحرک مثبتی برای مردم این سرزمین به همراه نیاورد. قاجارها به بلوچستان به چشم سرزمین انضمامی می‌نگریستند که تنها می‌توانست هر ساله منافی را به خزانه حکومتی برساند.

وضعیت اجتماعی بلوچستان بر زمینه‌های قبیله‌ای - روستایی استوار بود و تحت سلطه حکام قاجار، آنان نه تنها به خودمختاریهای قومی خویش می‌اندیشیدند، بلکه بر اثر ضعف حکومتی و پافشاریهای ناشی از اقتدار موقتی، به طور طبیعی به شورش و عصیان مبادرت ورزیدند. علی‌رغم تلاشهای حکومت قاجار برای سلطه کامل بر بلوچستان، قدرت رؤسای محلی بلوچ و نیز رؤسای طوایف از بین نرفت و بدین گونه در آغاز قرن بیستم، حاکمان و سرداران قدرتمندی در بخشهای مختلف بلوچستان وجود داشتند.

حسن ارفع می‌نویسد: «هنگامی که رضاخان به قدرت رسید، چندین طایفه بلوچ از کنترل دولت مرکزی خارج بودند.» دوست محمدخان بزرگ‌ترین هم‌اورد رضاخان در بلوچستان و بزرگ طایفه باران زهی، بخشهایی مهم از بلوچستان جنوبی (مکران) را تحت کنترل داشت و

۱. کلمه سِند صورت فارسی قدیم از کلمه هند است و نام ولایتی است معروف که دارای شهرهای آبادی مانند کنوج و لاهور است. صحرای مورد احترام زردشت که هنوز هم زردشتیان آن را مقدس می‌شمارند در همین منطقه واقع است. اعراب سِند را به طور کلی بر ایالت بزرگی اطلاق کردند که در خاور مکران واقع شده و امروز قسمتی از آن را بلوچستان ایران و پاکستان گویند. نک: لغت‌نامه دهخدا، ذیل کلمه سِند.

طوایف قدرتمند یاراحمد زایی، گمشادزهی، اسماعیل زهی، منطقه سرحد در شمال بلوچستان را در اختیار داشتند.

اما در زمان روی کار آمدن محمدرضا شاه، برخی جریانات سیاسی در بلوچستان ایران ظهور کردند که بیشتر تحت نفوذ حوزه سیاسی بلوچهای پاکستان بود. اکنون این جریانها به طور اجمال بررسی می‌شود.

تحرکات سیاسی

در دوره قبل از انقلاب اسلامی، اسداله علم که مدتها سمت استانداری سیستان و بلوچستان را بر عهده داشت، توانست با نزدیک شدن به خانها و سرداران، روابط دولت را با آنها مستحکم کند. وی در مقام وزیر دربار نیز تلاشهای بسیار در نزدیک ساختن خانها به دربار انجام داد. اما از سوی دیگر تحرکات سیاسی نیز که اساساً تحت نفوذ حوزه سیاسی بلوچها در پاکستان بود، به منصفه ظهور رسید.

تشکیل گروهی به نام «جبهه آزادی بخش بلوچستان» در سال ۱۳۴۲ به دست جمعه خان حاصل این تحرکات بود. این جبهه که بعدها مورد حمایت کشورهای عربی قرار گرفت، حملات مسلحانه را تدارک دید و توانست تا اوایل دهه ۱۳۵۰ به فعالیت خود ادامه دهد، اما توفیق چندانی به دست نیاورد.

گروه دیگری به نام «حزب دموکرات بلوچستان» در دهه ۱۳۴۰ در بغداد تشکیل شد که شاخه بلوچی جبهه ملی خلق ایران - ائتلافی از اعضای حزب توده - بود. این گروه خواستار یک دولت دموکراتیک ملی در بلوچستان بود. استفاده از زبان بلوچی در امور آموزشی، از دیگر خواسته‌های این گروه به شمار می‌رفت. این گروه نیز با انعقاد قرارداد الجزایر در سال ۱۳۵۴ میان شاه و صدام مبنی بر عدم حمایت دو کشور از گروههای مخالف از بین رفت.

این تلاشها نه مورد حمایت جدی خانها قرار می‌گرفت و نه سران مذهبی آن را تأیید می‌کردند. از سوی دیگر، تحصیل کردگان بلوچ که تعداد آنها تا اواخر دوران محمدرضا شاه به حدود یکصد نفر می‌رسید، اغلب دارای اندیشه‌های ناسیونالیستی بلوچ بودند و عمدتاً حزب رستاخیز و دفتر فرح هدایت آنها را در دست داشت.

در مجموع تلاشهای سیاسی در منطقه، عمدتاً ماهیتی غیر مذهبی داشت و بیشتر



خواسته‌های قومی را دنبال می‌کرد. از سوی دیگر، رژیم با درک چنین موقعیتی توانست سه مؤلفه تأثیرگذار را در این گونه تلاشها شناسایی و بر روی آنها اعمال کنترل کند. این مؤلفه‌ها عبارت بودند از: ۱. خانها یا سردارها ۲. ترانزیت مواد مخدر ۳. روشنفکران که عموماً اندیشه‌های ناسیونالیستی داشتند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، فعالیتهای سیاسی و مذهبی به سرعت در بلوچستان آغاز شد و قوم بلوچ را در آستانه تحولات جدیدی قرار داد. از یک طرف، دولت موقت تا حدودی بلوچها را در امور سیاسی منطقه فعال نمود و به یکباره میزان مشارکت آنها را در اداره امور منطقه افزایش داد و از سوی دیگر، ماهیت خان‌ستیزی انقلاب، با به خطر انداختن قدرت و اقتدار خانها موجب فراری شدن آنها از منطقه به بلوچستان پاکستان شد.

این تغییرات به سرعت باعث شد که روحانیون سنی مذهب منطقه کم‌کم خود را به رهبران نهضتی مذهبی مبدل سازند و خواسته‌هایی از قبیل حقوق مساوی و برابر در حاکمیت را مطرح نمایند. در بخش تحصیلات عالی، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تعداد تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی بسیار قابل توجه است. تعداد زنان تحصیل کرده در حدود یک دهه قبل از پیروزی انقلاب شاید به دو یا سه نفر بیشتر نمی‌رسید، ولی امروز هزاران نفر تحصیل کرده دانشگاهی، اعم از زن و مرد، بلوچ هستند که بسیاری از آنها در بخشهای اداری، اقتصادی، اجتماعی و مذهبی حضور مؤثر دارند.

مذهب

اینکه مذهب قوم بلوچ از ابتدا تسنن و حنفی بوده است، چندان روشن نیست. با این حال حکومت محلی بارکزیها (۱۲۹۹ تا ۱۳۰۷ ق) را در بلوچستان باید نقطه آغازی برای رونق مذهب اهل سنت در این منطقه دانست. دوست محمدخان بارکزی، در دوران حکومت خود تعدادی ملا و مولوی را که عموماً افغان و حنفی مسلک بودند، برای امر قضاوت که تحت عنوان شریعت از آن یاد می‌شود وارد دستگاه حکومتی خود کرد. این اقدام موجب شد قشر روحانی نیز به مرور در نظام طایفه‌گری قوم بلوچ از منزلت خاصی برخوردار شود.

امروزه در بلوچستان نیز ما شاهد هستیم که بیشتر کشمکشها و نارضایتیهای افراد و حتی طوایف که در جامعه بلوچ رخ می‌دهد، به دست رؤسای طوایف و بزرگان مذهبی قوم حل و

فصل می‌شود. در مواردی نیز که اختلاف شدیدتر و حقوقی باشد، طرفین دعوا مسئله خود را از طریق شریعت حل و فصل می‌کنند و به جز در مواردی که در مخالفت با نظام جمهوری اسلامی ایران و اهداف دین منهای نظام باشد و از دست روحانیون سنی خارج شود، بالاچار به محاکم رسمی و دولتی کشیده می‌شود.

جماعت مبلغ و جایگاه آن در بین اهل سنت بلوچستان

دعوت و تبلیغ به روش صحیح به مثابه ستون فقرات در پیکر اسلام است. اساس گسترش و پیشرفت اسلام در گرو همین امر است و نیاز به این کار در این زمان، بیشتر از هر زمان دیگر احساس می‌شود. مسلمان اسمی را مسلمان حقیقی بارآوردن به مراتب مهم‌تر از مسلمان کردن غیر مسلمانان است. واقعیت این است که با توجه به اوضاع فعلی مسلمانان، بسیار ضروری است که این ندای قرآنی «یا ایها الذین آمنوا آمنوا» در هر آبادی و منطقه بلند شود و برای تجدید اسلام در میان مسلمانان از هیچ کوشش و مجاهده‌ای دریغ نگردد.

مولانا محمد الیاس (ره) این دعوت و تبلیغ را که هدفش تکمیل ایمان و ترویج اصول دین است، به نهضت ایمان موسوم کرده بود و به منظور بقای دین و مذهب هر نوع فداکاری را برای آن لازم تصور می‌کرد. بر همین اساس، مردم مسلمان بلوچستان که بیشتر سنی مذهب هستند، خود را مقید به تبلیغ و نشر دین اسلام به تمام مناطق دنیا می‌دانند و به مراکز که بدین منظور فعالیت می‌کنند مدد و کمک می‌رسانند و حتی در مراکز تبلیغ خارج از کشور نیز حضور پیدا می‌کنند. در منطقه بلوچستان نیز ما شاهد وجود مراکز تبلیغ جماعت در شهرهای بلوچستان هستیم که روزی چندین گروه در این شهرها برای نشر ترویج اسلام و اصلاح مردم فعالیت می‌کنند که از جمله این مراکز فعال می‌توان مراکز جماعت تبلیغ سراوان را نام برد.

سنت و آثار مدرنیسم در بافت اجتماعی بلوچستان

در بافت سنتی بلوچستان ازدواج درون گروهی، فامیلی و خانوادگی به شدت رواج دارد. در مراسم ازدواج آداب و سنن ویژه و جالب توجهی مانند موسیقیهای سنتی، سکه‌اندازی و... وجود دارد. نظام معیشتی کوچنده و روابط برخاسته از اقتصاد نیز به وضوح قابل مشاهده است. زبان بلوچ با گویشهای مختلف محلی نیز یکی دیگر از جلوه‌های حفظ آداب و سنن است. در عین حال، فرهنگ بلوچ به شدت تحت تأثیر فرهنگ ملی ایران قرار گرفته، به نحوی که

امروزه بیشتر بلوچهای باسواد قادر به خواندن خط بلوچی اصیل خود نیستند و در گویشها و صحبت‌های روزانه عمدتاً کلمات فارسی به کار می‌برند. همین وضعیت در بلوچستان پاکستان مشاهده می‌شود، اما زبان بلوچی در بلوچستان پاکستان به میزان قابل توجهی با کلمات انگلیسی آمیخته شده است. مردم بلوچستان امروز به رغم حفظ بسیاری از سنت‌های خود که یادگار اجداد آنهاست، تحت تأثیر مظاهر مدرنیسم نیز قرار گرفته‌اند.

یکی از مسائلی که قوم بلوچ امروز توجه بیشتری نسبت به سابق به آن نشان می‌دهد، افزایش ازدواج‌های برون‌گروهی و تغییر نقش مرد و زن در خانواده است. در گذشته نه چندان دور، تشکیل خانواده در میان این قوم در قالب هسته خانواده صورت می‌گرفت که امروز این سنت در میان آنها کمرنگ‌تر شده است. کودکان بلوچ امروز آداب و زندگی خود را در کنار حفظ برخی سنتها در مدرسه و سپس در دانشگاه و محل کار می‌آموزند. این نکته را باید پذیرفت که فرهنگ و معیشت سنتی بلوچستان در حال خارج شدن از سلطه طبیعت است و علاوه بر تمایل شدید به جانشینی ترکیب فضای معماری خانه‌های جدید و روند تخریب منازل قدیمی، آنها را از بسیاری دغدغه‌های سنتی رها کرده است.

زنان بلوچ با تحصیلات دانشگاهی در مشاغل مختلف فعالیت دارند و از ارکان مهم تصمیم‌گیری در زندگی خانوادگی به عنوان شریک زندگی با همسران خود هستند. چند همسری مردان که به شدت در بین مردم بلوچ رواج داشته است، امروزه تحت تأثیر فرهنگ مدرنیته شده به سرعت در حال افول است. فرهنگ بالای زنان بلوچ شرایط چند همسری را برای شوهران تا حدودی از بین برده است.

مآخذ: ۱. احمدی، حمید، قوم‌گرایی در ایران (از افسانه تا واقعیت) نشر نی، تهران ۱۳۷۸؛ ۲. ناصح، ذبیح‌الله، بلوچستان، ابن سینا، تهران ۱۳۴۴؛ ۳. مقصودی، مجتبی، قومیتها و نقش آنان در تحولات سیاسی سلطنت محمدرضا پهلوی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران ۱۳۸۲؛ ۴. طوقی، حمید، جامعه نوین بلوچستان، انتشارات صدیقی، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۹؛ ۵. ندوی، مولانا سید ابوالحسن، ترجمه مولانا محمد قاسم، مولانا محمد الیاس (ره) و نهضت دعوت تبلیغ، انتشارات شیخ الاسلام احمد جام، خرداد ۱۳۷۷؛ ۶. ناصری، عبدالله، فرهنگ مردم بلوچ، بدون ناشر، بهمن ۱۳۵۸؛ ۷. سپاهی، عبدالودود، بلوچستان در عصر قاجار، گلستان معرفت، چاپ اول، ۱۳۵۸؛ ۸. افشار سیستانی، ایرج، بلوچستان و شهرت دیرینه آن، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول؛ ۹. فاروق، غلام، مجموع ضرب المثلهای لوجی «تبل گنج» کراچی؛ ۱۰. نیکبختی، سعید، آهنگ بلوچستان؛ ۱۱. فصلنامه مطالعات راهبردی شماره پنجم و ششم، پاییز و زمستان ۱۳۷۸؛ ۱۲. طاهری، محمدرضا، دیدگاههای سیاسی قبایل بلوچستان پاکستان، ۱۳۸۳؛ ۱۳. درازهی، ناصر، بررسی تقابل سنت مدرنیسم در بافت اجتماعی بلوچستان، ۱۳۸۶.